

Journal iranian political sociology

Vol. 4, No.4, winter2022

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.256109.1338>

Study and analysis of women's suffrage in Islamic thought

Abstract:

Granting women the right to vote has been one of the most challenging areas of Shiite jurisprudence in the recent period and has been recognized in the present period, despite numerous ups and downs. From a jurisprudential point of view, since voting is considered a form of judgment and many Shiite jurists do not consider women's judgments to be correct, traditionally, Shiite jurisprudential authorities have been opposed to granting women the right to vote. In the last century, with the introduction of the electoral system in Islamic countries, the issue of granting women the right to vote was gradually raised. In addition to financial, economic, employment, and education rights, Islam pays special attention to women's political rights and provides legal personality for women in political and social issues because women have played a significant role in the history and developments of their society. In the history of Islam, there is a lot of evidence of women's involvement in political affairs . keywords: Participation, women's suffrage, Islamic thought

keywords: Participation, women's suffrage, Islamic thought

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.256109.1338>

بررسی و تحلیل حق رأی زنان در اندیشه اسلامی

زهره دارائی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۶

محمد حسین ناظمی آشنی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۳

طاہر علی محمدی^۳

چکیده

اعطای حق رأی به زنان یکی از حوزه‌های چالش‌برانگیز فقه شیعه در دوره متأخر بوده و به‌رغم فرازونشیب‌های متعدد، در دوران کنونی به رسمیت شناخته شده است. به لحاظ دیدگاه فقهی از آنجاکه رأی دادن نوعی قضاوت کردن تلقی شده و بسیاری از فقهای شیعه قضاوت زنان را صحیح نمی‌دانند، به‌طور سستی، مراجع و فقهای شیعه مخالف با اعطای حق رأی به زنان بوده‌اند. در سده اخیر و با ورود نظام انتخاباتی به کشورهای اسلامی، به تدریج مسئله اعطای حق رأی به زنان نیز مطرح شد. اسلام در کنار حقوق مالی، اقتصادی، اشتغال، و آموزش توجه خاصی به حقوق سیاسی زن نموده و در مسائل سیاسی و اجتماعی برای زنان شخصیت حقوقی پیش‌بینی نموده چراکه زنان نقش چشم‌گیری در تاریخ و تحولات جامعه خود ایفا نموده‌اند. در تاریخ اسلام شواهد فراوانی از مداخله زنان در امور سیاسی وجود دارد. این پژوهش باهدف بررسی و تحلیل حق رأی به زنان در اندیشه و منابع اسلامی به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

واژگان کلیدی: مشارکت، حق رأی زنان، اندیشه اسلامی

^۱ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران^۲ استادیار گروه معارف، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) m.h.nazemi@cfu.ac.ir^۳ دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

از جمله حقوقی که خداوند به انسان‌ها اعطا کرده حق آزادی و انتخاب است که هیچ‌کس و هیچ‌چیز به‌غیر از خداوند نباید این حقوق فطری را از انسان سلب یا محدود نماید. در جهان امروز بحث حقوق بشر و از جمله حق انتخاب و تصمیم‌گیری انسان در جامعه خویش از مباحث مورد توجه و جنجال‌برانگیزی است که کشورهای غربی و به اصطلاح دموکراسی، داعیه‌دار حمایت از این حقوق هستند و اسلام را متهم به استثمار و دیکتاتوری می‌نمایند. حق رأی از عمده حقوق سیاسی-اجتماعی زنان است که تنها چند دهه‌ای است که در کشورهای مدعی حقوق بشر به رسمیت شناخته و محقق شده است. ادعای بیشتر این کشورها و جنبش‌های مدافع حقوق زنان آن است که زن‌ها در همه دوره‌های حیات و تمام ادیان، از این حق محروم بوده‌اند. تنها به واسطه تلاش ایشان این حق برای زنان به رسمیت شناخته شد (علویان، ۱۳۹۶). بررسی‌های اولیه در آموزه‌های اسلامی و سیره پیشوایان معصوم (ع) حاکی از آن است که اسلام، زنان را همچون سفیهان، محجوران و ضعفا فکری و عقلی قلمداد نکرده، بلکه رأی و نظر آن‌ها را محترم شمرده است و این امر برخاسته از مبانی پیش فرض‌های انسان‌شناسی و هستی‌شناسی ویژه‌ای است (مانسی، ۱۳۸۶). با توجه به اهمیت موضوع رأی زنان و اعطای این حق به آن‌ها در جوامع امروزی، به بررسی و تحقیق درباره دیدگاه اسلام در مورد نقش مردم و اهمیت و اعتبار رأی زنان آن‌ها در جامعه و حکومت اسلامی پرداخته شود و برای مدعیان به صورت حقیقی حمایت از حقوق رأی زنان ثابت گردد، که اگر جهان غرب تلاش چند دهه جنبش حق رأی خواهی در قرن بیستم هنگامی به بار نشست که پیش از آن اسلام در چهارده قرن قبل آن را به رسمیت شناخته بود. در اسلام، چه از لحاظ متون دینی و چه از لحاظ سیره پیشوایان دین مخالفتی با این موضوع وجود نداشته است. چنان‌که در صدر اسلام، زنان بارها در تصمیم‌گیری‌های عمومی شرکت کرده بودند و اینک نمونه‌هایی از آن در معرض قضاوت قرار دارد. اگرچه بعدها به دلیل غلبه فرهنگ جاهلی حضور زنان با چالش‌هایی مواجه شد، اما این موضوع در اصل لزوم حضور زنان آسیبی وارد نمی‌کند. با توجه به موارد گفته‌شده سؤالی که در این تحقیق سعی در پاسخ‌گویی به آن داریم این است که: دیدگاه اندیشمندان اسلامی و منابع اسلامی در خصوص حق رأی به زنان چگونه است؟ فرضیه‌ای که مطرح می‌شود نیز این است که هم در منابع اسلامی و هم از دیدگاه اندیشمندان اسلامی زنان دارای حق مشارکت سیاسی و حق رأی می‌باشند و در این زمینه نقش مهمی را ایفا می‌کنند در مورد اهمیت این موضوع می‌توان گفت؛ با توجه به اهمیت تبیین دیدگاه اسلام نسبت به مسئله نقش مردم و ارزش و

اعتباری که اسلام از چهارده قرن پیش برای حضور و رأی و نظریات آنان بالأخص زنان در مسائل سیاسی و اجتماعی قائل شده است، می‌توان اولاً: به ادعای پوچ کشورهای غربی که مدعی در ابتکاری بودن مسئله اکثریت توسط خودشان و حقوق بشر و به دنبال احیای آن هستند، را باطل نمود. ثانیاً: اتهاماتی را که آنان مبتنی بر ضایع کردن حقوق آزادی و ریزنان و انسان‌ها به جوامع اسلامی نسبت می‌دهند و اسلام را متهم به آن می‌کنند، را دفع نمود. در آخر بایبان دلایل اعتبار اکثریت و کاربرد و جایگاه آن در اسلام به نقاط ضعف و اشکالات موجود در حکومت‌های غیر اسلامی طرفدار اکثریت؛ درزمینه وضع و اجرای قوانین مربوط به اکثریت و اعطای حق رأی به زنان و ادای آن، پرداخته خواهد شد.

پیشینه پژوهش

عمادی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان حق حاکمیت و تعیین سرنوشت از منظر فقه سیاسی شیعه انجام داد. این نوشتار با مفروض دانستن این مطلب که سنت فقهی، ظرفیت و امکانات گسترده‌ای برای بسط چنین گفت‌وگوهایی دارد، درصدد پاسخ به این پرسش است که در فقه سیاسی معاصر چه رویکردهایی نسبت به حق حاکمیت سیاسی مردم وجود دارد و فقهای شیعه در مواجهه با این مسئله چه دیدگاه‌هایی را مطرح کرده‌اند؟ پاسخ اجمالی به این مسئله آن است که در فقه شیعه درباره این مسئله دو رویکرد متفاوت وجود دارد: رویکردهای سنتی حق حاکمیت سیاسی در دوره غیبت را منحصر به فقهای جامع‌الشرایط می‌داند و هرچند حضور مردم و نقش فعال آنان را در سیاست می‌پذیرند، آن را به‌عنوان پشتوانه نظام ولایی و در قالب «تکلیف شرعی» توجیه می‌کنند؛ اما رویکرد نواندیش، برخلاف این دیدگاه، حاکمیت سیاسی در زمان غیبت امام معصوم را بالاصاله «حق شرعی» مردم می‌داند و با محدود کردن حق حاکمیت مردم به رعایت آموزه‌های شریعت، بر نوعی مردم‌سالاری دینی تأکید می‌نماید. علویان (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «حق رأی زنان در نظام سیاسی اسلام بررسی پیشینه و مبانی» انجام داده است. این پژوهش به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی دیدگاه اسلام را دربار روشن نمود و تاریخچه تحقق این مسئله را بازگو نمود. بررسی‌های اولیه در آموزه‌های اسلامی و سیره پیشوایان معصوم (ع) حاکی از آن است که اسلام، زنان را همچون سفیهان، محجوران و ضعفای فکری و عقلی قلمداد نکرده، بلکه رأی و نظر آن‌ها را محترم شمرده است و این امر برخاسته از مبانی پیش فرض‌های انسان‌شناسی و هستی‌شناسی ویژه‌ای است. توانا و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «مقایسه حقوق زن مسلمان از دیدگاه مرتضی مطهری و فاطمه مرنیسی» انجام داده‌اند حق آزادی عقیده و مذهب، حق مالکیت (از حقوق مدنی)، حق آموزش و امنیت

اجتماعی (از حقوق اجتماعی) و حق رأی (از حقوق سیاسی) را برای زنان همسان با مردان به رسمیت می‌شناسد اما به دلیل زیست‌شناختی و روان‌شناختی، در زمینه قوانین ارث، پوشش و طلاق (از حقوق مدنی)، حق اشتغال (از حقوق اجتماعی) و حق انتخاب شدن سیاسی (از حقوق سیاسی) حقوق متفاوت برای زنان قائل می‌شود. در مقابل مریسی برابری ذاتی میان زن و مرد متصور است و معتقد است اسلام ذاتی (در تقابل با اسلام تاریخی) هم این برابری را به رسمیت می‌شناسد. در نتیجه حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی مشابه با مردان برای زن مسلمان قائل است. مبنای تفاوت دیدگاه مطهری و مریسی را می‌توان نتیجه نگرش‌های متفاوت آنان به اسلام دانست. وحی و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «نقد و بررسی برخی از حقوق سیاسی و اجتماعی زن در اسلام» انجام داده‌اند. یکی از اصول مسلم در آیین اسلام، حرکت و کرامت انسان است. جان، مال، آبرو، عقیده و رأی آدمی همه حرمت دارند. و باید همواره این حریم پاس داشته شود. در حرمت و کرامت انسان، هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست و در فرهنگ اسلامی، زن و مرد به‌عنوان مخلوقات خدا و مورد عنایت ویژه اویند. افتخار نظام حقوقی اسلام آن است که از همان ابتدا زنان را دارای حق اقتصادی، سیاسی، خانوادگی، قضایی، عبادی شناخته است و با در نظر گرفتن مهریه، نفقه و .. حقوق مادی و معنوی، زن را در نظام خانواده تأمین ساخته است؛ زیرا از دیدگاه اسلام، تفاوتی در حقیقت و ماهیت زن و مرد نیست. در آیات قرآنی نیز هرگاه از کمالات و ارزش‌های والای انسانی سخن به میان می‌آید، زنان را نیز همدوش مردان مطرح می‌کند. روش کار در این مقاله به این صورت بوده است که ابتدا به بررسی شرایط و حقوق زن در سه بخش اجتماعی، سیاسی، و مالی در عصر جاهلیت پرداخته است و بعد تحولی که اسلام در این شرایط و حقوق به وجود آورده است را مورد بررسی قرار داده است.

مفهوم رأی

واژه «حق»، «Right» از واژه‌هایی است که موارد استعمال فراوانی دارد و این استعمال فراوان، ناشی از تعدد معنایی است که برای آن وجود دارد. در فرهنگ لغت، معانی متعددی برای آن بیان شده است: راست کردن سخن، درست کردن وعده یقین نمودن ثابت شدن (دهخدا، ۱۳۷۷: ۹۱۴۲). در فرهنگ «المنجد» نیز برای واژه حق چندین معنای بیان شده است که برخی از آنها عبارتند از: ضد باطل، عدل، مال و ملک، حظ و نصیب، موجود ثابت، امر مقضی، حزم (معلوف، ۱۹۹۵: ۱۴۴). و در اصطلاح، به معنای اختیاری است که طبیعت، عرف یا قانون به کسی داده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۹۱۴۲). اگرچه درباره مبنا و جوهره حق،

نظرات مختلف و گوناگونی مطرح شده است، لکن به صورت اجمال می توان گفت «سلطه و اختیاری است که حقوق هر کشور به منظور حفظ منافع اشخاص به آنها می دهد» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۵۰). رأی مفهوم پیچیده‌ای است که به علت ابهامات حقوقی و مبنايي معانی مختلفی از آن وجود دارد. یکی از محققان در این باره می نویسد: «واقعیت این است که این موضوع پیچیده و غامضی است و جز از طریق تجزیه و تحلیل علمی آن هم بر اساس مبانی کلامی، فلسفی و حقوقی روشن شناختنی نیست. ... برای مثال در اینکه انتخاب حق است یا وظیفه بر اساس نظریه فردگرا و جامعه‌گرا دیدگاه‌ها متفاوت است. ...» (موسویان، ۱۳۸۰: ۵۰) اما این پیچیدگی‌ها به این معنا نیست که دستیابی به مفهوم رأی ناممکن باشد. ساده‌ترین تعریف رأی در علم حقوق چنین بیان شده است: «عملی تشریفاتی و حقوقی که شهروندان با انجام آن طبق ضوابط و شرایط قانونی به‌گزینش نماینده یا نمایندگان می پردازند را رأی نامند. رأی‌دهنده ضمن این عمل حقوقی - سیاسی با برگزیدن نماینده در اداره‌ی امور سیاسی جامعه‌ی خود مشارکت می‌کند» (قاضی، ۱۳۸۴: ۲۵۹). از جمل مصادیق رأی دادن مشارکت و وکالت نیز می باشد. بنابراین ضروری است که به تعریف هر یک این دو نیز می پردازیم:

مشارکت

به هر عمل که بانگیزه سیاسی انجام شود، مانند رأی دادن، کمک نقدی و پرداخت پول و امکانات، ارتباط، یا عضویت در یک حزب سیاسی، تلاش برای یک مقام دولتی، تحریم یک کالا، شرکت در راهپیمایی، اعتراض خشونت‌آمیز و امثال این‌ها مشارکت سیاسی گفته می‌شود (Broadwell, 2006: 1). گاهی مشارکت سیاسی به منزله کنش شخصی یا خصوصی شهروندانی که به دنبال اثرگذاری یا حمایت از دولت و یا سیاست‌های آن هستند، تعریف می‌شود. از مفهوم مشارکت سیاسی گاهی به منزله وسیله و گاهی به منزله‌ی هدف فعالیت‌های سیاسی استفاده می‌شود. مهروترا مشارکت سیاسی را به حکومت و سیاست‌های آن محدود نمی‌کند و معتقد است مشارکت سیاسی حمایت‌های قانونی و غیرقانونی، شکل‌گیری مطالبات، بحث سیاسی و دیگر ارتباطات گفتاری و رسانه‌ای که به حکومت مربوط است، نیز شامل می‌شود. مشارکت و یا کنش سیاسی، فعالیت‌های سیاسی را که در نهادهای خصوصی انجام می‌شود، نیز در برمی‌گیرد. دمیتروفکا پرداختن مستقیم و غیرمستقیم مردم اعم از گروه‌ها و اجتماعات و افراد در آماده‌سازی، انتخاب کردن، تأیید و تصویب نمودن اهداف و استراتژی‌های سیاسی را مشارکت سیاسی می‌داند. در این تعریف، مشارکت سیاسی به منزله‌ی مشارکت در

امور سیاسی عمومی و فعالیت‌های نظارتی برای کسب اطمینان از صلاحیت حکومت‌ها در نظر گرفته شده است و روشی برای شرکت عدۀ زیادی از مردم در امور سیاسی است

(Dimitrova 2003: 1) در هر صورت باید توجه داشت که: (۱) مشارکت سیاسی نوعی کنش یا فعالیت است و لذا علاقه به سیاست یا پیگیری اخبار سیاسی را نمی‌توان نوعی مشارکت سیاسی به شمار آورد، (۲) مشارکت سیاسی محدود به شرکت در انتخابات یا برخی اشکال متعارف نمی‌شود، (۳) منظور از مشارکت سیاسی رفتار شهروندان و نه فعالیت سیاستمداران یا مسئولان حکومتی است (۴) مشارکت سیاسی در اصل عملی داوطلبانه است ولو اینکه فرد به شدت تحت تأثیر برخی تلقین‌های ایدئولوژیکی یا باورهای مذهبی باشد. در دوران معاصر، با ظهور اندیشمندانی در عرصه‌ی فلسفه و اندیشه همچون هابز،^۱ جان لاک،^۲ روسو،^۳ متسکیو^۴ و دیگران مشارکت سیاسی با مبانی جدید و در سطح وسیع موضوع گفت‌وگو قرار گرفت و فن‌گزینش مهم‌ترین و مشروع‌ترین ابزار برای وصول قدرت رایج شد و مردم حاکمان و متصدیان خود را گزینش و انتخاب کردند (قاضی، ۱۳۸۴: ۲۹۱). بنابراین رای دادن به عنوان یکی از مظاهر مشارکت سیاسی همواره یکی از دغدغه‌های عمده نخبگان سیاسی و حاکم و نیز جامعه‌شناسان بوده است (غلامی و عرف، ۱۳۹۴: ۴۳).

وکالت

وکالت، نهادی قدیمی و ریشه‌دار در فقه و حقوق است که فقها در کتاب الوکاله و حقوقدانان در عقود معین از آن سخن گفته‌اند. عقد وکالت عقدی است جایز که آن را به «استنابه فی التصرف» یعنی «نایب گرفتن در تصرف» تعریف کرده‌اند (مروارید، ۱۴۱۰: ۴۳، ۱۷۴۶). گروهی بر این اعتقادند که نمایندگی مجلس نوعی وکالت است و نماینده پارلمان در امور تقنینی و وظایف مربوط، وکیل مردم است. به تعبیر دیگر مردم (رای دهندگان) موکل، نماینده مجلس وکیل و رابطه بین این دو وکالت است. بنابراین حق رای می‌تواند مصادیق دیگری چون مشارکت و وکالت نیز داشته باشد. بنابراین وکالت به معنای تفویض انجام امری به دیگری و برای خود است. بنابراین وکالت، نایب گرفتن شخص دیگر برای انجام امری

¹ Hobbes

² John Locks

³ Rousseau

⁴ Montesquies

است؛ به این معنا که موکل، اقدام وکیل را در مورد انجام عمل حقوقی به منظره اقدام خود دانسته و به او اختیار می دهد که به نام و حساس موکل تصوراتی بنماید. وکیل نسبت به آثار اموری که انجام می دهد در حکم واسطه ای است و آنچه انجام می دهد برای موکل خود خواهد بود (عابدی و ساعت چی، ۱۳۹۶: ۲۳۱).

جایگاه رأی و نظر در اندیشه سیاسی اسلام

امروزه، رأی و برگزاری انتخابات همگانی از شاخص های اصلی دموکراسی است. در نگاه کلی، دموکراسی به معنای مشارکت شهروندان در تصمیم گیری های کشور است که هم اکنون یکی از شیوه های مطلوب حاکمیت در جوامع غربی است (قاضی، ۱۳۸۴: ۱۱۵) و اهمیت آن به حدی است که میزان تحقق آن در یک جامعه، شاخص توسعه یافتگی سیاسی آن جامعه محسوب می شود. حامیان نظریه ی حاکمیت بر مبنای دموکراسی آن را شکل نهایی حکومت در جوامع بشری دانسته اند^۱ و منتقدان نیز به رغم شناسایی نقایص دموکراسی آن را کم آسیب ترین نوع حکومت یاد کرده اند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۲: ۱۳۹). اکنون این پرسش مطرح است که آیا انتخاب و آراء مردم در شکل گیری نظام سیاسی اسلام جایگاهی دارد؟ در حقیقت، پرسش اصلی آن است که آیا اسلام با حاکمیت بر مبنای دموکراسی موافق است؟ مطابق دیدگاه اسلامی، حاکمیت مطلق تنها متعلق به خداوند است و منطبق حاکمیت مطلق بشر بر سرنوشت خود جایگاهی ندارد و هیچ کس نیز نمی تواند خود را به اجبار حاکم دیگران قرار دهد (النحل، ۳۶). بر پایه اندیشه توحیدی، فرد و جامعه همیشه به تشخیص مصالح و مضار خود قادر نیستند و حجت تام و تمامی مانند وحی لازم است تا هدایتگرند یسه های بشر باشد و او را در مسیر کمال قرار دهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ۲۴۲) که لازمه و نتیجه ی آن پذیرش حاکمیت قوانین و آموزه های الهی در نظام سیاسی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ۱۱۲). نکته تأمل برانگیز در دیدگاه و حیانی آن است که اولاً، این حکومت خدایی و الهی به دست انسان های شایسته و با انتخاب مردم تحقق می یابد و ثانیاً، حقوق و آزادی های انسانی در چارچوب ارزش های دینی و الهی در این حکومت به رسمیت شناخته می شود که در نوع خود عالی ترین مرتبه حقوق بشر است. بنابراین، مردم سالاری و مشارکتی بودن نظام سیاسی جزء ذات و خمیرمایه ی اندیشه ی اسلامی به خصوص شیعی است. بر این اساس، فقها و صاحب نظران مسلمان، دموکراسی و مردم سالاری را بر پایه ی قوانین الهی صحیح دانسته و به دفاع

^۱ برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: پایان تاریخ و آخرین انسان، فرانسیس فوکویاما، ۱۳۷۱: صص ۳۷۹.

از آن برخاسته‌اند. امام خمینی (ره) دموکراسی واقعی را تنها با حکومت عدالت‌گستر اسلامی محقق می‌داند (موسوی الخمینی، ۱۳۶۴: ۳۷۹). آیت‌الله مصباح یزدی می‌نویسد: «دموکراسی و نقش مردم در تعیین مجریان و قانون‌گذاران تحقق می‌یابد که با رعایت موازین اسلامی مقررات وقت را وضع و به اجرا درمی‌آورند. به سخن دیگر، دموکراسی و نقش و مشارکت جدی مردم با رعایت حدود و قیودی که اسلام معین می‌کند و انتخاب کسانی که شرایط و ویژگی‌های تعیین‌شده را دارند، در کشور ما اعمال می‌شود» (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۲۹۹). محققان اسلامی برای این نوع از حاکمیت، تعبیر «مردم‌سالاری دینی»^۱ و برخی نیز تعبیر «دین‌سالاری مردمی» را به کار برده‌اند (مهدوی کنی، ۱۳۸۱: ۶).

حقوق سیاسی زنان در قرآن و روایات

حقوق سیاسی آن است که فرد بتواند به عنوان عضو جامعه در زندگی عمومی و اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمام‌داران و مقامات سیاسی شرکت جوید و یا به تصدی مشاغل، سیاسی و اجتماعی نایل آید و یا در جوامع، آزادانه عقاید و افکار خود به نحو مقتضی ابراز کند (طباطبایی مومنی، ۱۳۷۵: ۱۲۳). در نظام سیاسی اسلام نقش و جایگاهی که برای زنان در عرصه سیاسی و اجتماعی مشخص شده، کمتر از مردان نیست. برای مشارکت زنان در این عرصه، راهکارهای مختلفی مطرح است که یکی از آن‌ها مسئله بیعت است. همچنین جهاد و هجرت از عناصر مهم فرهنگ سیاسی اسلام است که زنان مسلمان همپای مردان در این عرصه حضور داشتند (حکیمی، ۱۳۸۳: ۴۲).

امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی منکر نیز یکی دیگر از مصادیق رای دادن است. چره که کسی که انتخاب شایسته می‌کند از جمله این مصادیق می‌باش و مربوط به حوزه فردی است نه حکومتی بنابراین زن محدود نیست و می‌تواند امر به معروف نیز کند آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر نمونه بارز مشارکت همگانی زن و مرد در جامعه است. آیه ۷۱ سوره توبه

^۱ رک: نظریه سیاسی اسلام، محمد تقی مصباح یزدی، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).

می‌فرماید: «مردان و زنان باایمان ولی (یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند، و خدا و رسولش را اطاعت می‌نمایند و ...» با توجه به این آیه خداوند مهم‌ترین مسئولیت جامعه اسلامی را که همانا امر به معروف و نهی از منکر است، بدون تبعیض بر دوش زن و مرد گذاشته است. طبق فرموده خداوند «و المومنون و المومنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (التوبه، ۷۱) زنان چون مردان دارای مسئولیت بزرگ سرپرستی، ولایت و مدیریت اصلاحی می‌باشند. از این رو، به هدایت کردن و امر به معروف و بازدارندگی از زشتی‌ها و ناهنجاری‌ها می‌پردازند. با گسترگی مفهوم منکر و معروف در سلام گستره دخالت‌های اجتماعی زن روشن می‌شود. بنابراین، در همه عرصه‌هایی که مردان می‌توانند دخالت کنند، زنان نیز می‌توانند دخالت کنند. مسائل سیاسی و حکومتی در رأس هرم مسائل اجتماعی قرار دارد و زنان نیز چون مردان باید در آن دخالت کنند و نقش داشته باشند. از این رو می‌بینیم، که در صدر اسلام، زنان در مسائل سیاسی دخالت کردند و در صحنه حاکمیت حضوری روشن داشتند (حکیمی، ۱۳۸۳: ۴۲).

بیعت

بیعت در اصطلاح، پیمان بستن به فرمانبرداری و پذیرفتن امارت یا ریاست کسی مانند فرمانروا یا رئیس دولت است. در دین اسلام، از این رسم برای وجود اطلاعات در میثاق و پیمان با رهبر و امام جامعه استفاده شده است. همان‌طور که گفته شد، در صدر اسلام بیعت شیوه‌ای برای گزینش حاکم و امیر بود، ولی امروزه شیوه‌ی مطلوب برای گزینش رهبر^۱ و نمایندگان، برگزاری انتخابات است که در جوامع غربی و اسلامی رواج دارد. در مقابل دیدگاهی که انتخابات را همانند بیعت تلقی کرده است و دلیل استفاده از آن را نه صرف تقلید از قوانین غربی بلکه شمار زیاد رأی‌دهندگان دانسته است (موسویان، ۱۳۸۰: ۶۰). قرآن کریم بیعت با حکومت را که از بارزترین مظهر میثاق سیاسی جامعه است، برای زنان می‌پذیرد. آیه ۱۲ سوره ممتحنه اشاره به بیعت زنان با پیامبر (ص) پس از فتح مکه دارد: «یا ایها النبی اذا جاءک المومنات ینا یعنک علی لایشرکن الله...»: ای پیامبر هرگاه زنان مؤمن پیش تو آمدند

^۱ گزینش رهبر اگرچه به صورت مستقیم با انتخابات انجام نمی‌شود، ولی از سوی خبرگانی صورت می‌گیرد که پیشتر از سوی مردم انتخاب شده‌اند.

با آنان بیعت کن به شرطی که به خداوند شرک نوزند...» قرآن کریم بیعت با حکومت را که بارزترین فعل و حق سیاسی است برای زنان پذیرفته و عرصه‌های مختلف تاریخ صدر اسلام نشان‌دهنده این عمل سیاسی از طرف زنان است. تاریخ صدر اسلام نیز نشان‌دهنده تحقق این عمل سیاسی از سوی زنان است و ابن سعد در کتاب طبقات، صفحاتی را به چگونگی بیعت زنان با پیامبر (ص) و مضمون بیعت‌ها اختصاص داده است و نام ۷۰ زن را برمی‌شمرد که در بیعت‌ها شرکت داشتند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳-۱۱). به لحاظ تاریخی، اولین حضور بیعت زنان در عصر رسالت پیامبر (ص) با عنوان عقبه اولی یا بیعه النساء ذکر گردیده است. در این بیعت، زنی به نام عقره دختر عبید بن ثعلبه، حضور داشت. حتی برخی از مورخان بر این باورند که از آنجاکه حضور زن در امری چنین مهم، آن هم در زمئه‌ای که زن از اولین حقوق فردی و اجتماعی خود محروم بود، بسیار شگفت‌آور می‌نمود. این بیعت بیعه النساء نامیده شد (فرزند وحی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۶). از دیگر آیات قرآن که مربوط به حقوق سیاسی زن است. داستان ملکه سبا و حکومتش است؛ که در آن آیه از زن به‌عنوان رأس قدرت در جامعه اسلامی به‌خوبی یاد می‌کند. از سوی دیگر آیات قرآنی وی را فردی اهل رأی و نظر و شور و مشورت و حق طلب معرفی می‌کند، چراکه وقتی نامه سلیمان به او رسید با درایت به حل مشکل پرداخت و به سلیمان گروید. «قالت رب انی ظلمت نفسی و اسلمت مع سلیمان الله رب العالمین»: گفت: پروردگارا، من به خود ستم کردم و اینک با سلیمان در برابر خدا پروردگار جهانیان تسلیم شدم (نمل، ۴۴). بسیاری از صاحب‌نظران به این داستان تمسک کرده و تصدی زن در بالاترین مناصب سیاسی را روا دانسته‌اند (مصطفوی، ۱۳۸۶: ۱۰۴). می‌توان گفت اسلام نخستین دینی است که برای زنان حقوق سیاسی را در تمام دوران پذیرفته است. وزنان مجاز می‌باشند در اجتماع مشارکت سیاسی داشته باشند. بدین ترتیب دیده می‌شود که در تعالیم عالی و انسانی اسلام هیچ تبعیضی میان زنان و مردان وجود ندارد. وزنان اجازه یافتند تا در بیعت، جهاد، هجرت سهم بگیرند. در واقع بیعت مهم‌ترین عمل سیاسی آن دوران به شمار می‌آمد؛ چراکه بیعت اساس جامعه اسلامی و وسیله‌ای برای اعلام التزام جامعه به شریعت است. بیعت دیروز همین حکم رأی امروزی را در جامعه دارد (جلالی و موسوی، ۱۳۹۲: ۵). از جمله آیاتی که دلایل قرآن کریم در اعطای حق رای به زنان می‌باشد به این صورت می‌باشد که:

«وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبْنَ» (نساء، ۳۲): آرزو نکنید آنچه را که خداوند شماها را بهم برتری داده (مرد آرزوی مزایای خلقی و یا تشریحی زن را نکند و زن آرزوی مزایای

امتیازات خلقی و تشریحی مرد را کند) بهره مردانست آنچه را به دست خود کسب کنند و بهره زنانست آنچه را به دست خود کسب کنند.

یعنی رقابت باید در امور اکتسابی باشد. اکتساب بدست آوردن هر فایده مادی و معنویست و انتخاب و کیل و فعالیت سیاسی یکی از فواید مهمه انسان است و در اینجا به طور عموم مرد و زن را در اکتساب فواید مساوی دانسته. در تفسیر مجمع البیان طبرسی (ره) در شأن نزول آیه گوید: نماینده زنان حضور رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: آیا پروردگار مردان و زنان یکی نیست و تو بر ما همه از زن و مرد فرستاده او نیستی؟ ما را چه رسیده که خداوند در قرآن نام مردان را می‌برد و نام ما را نمی‌برد. ما می‌ترسیم که خیری نداشته باشیم و نیازی به ما نباشد و این آیه نازل شد. خود این حدیث دلالت دارد که زنان نماینده انتخاب کردند و آن نماینده هم یک زنی بود و حضور پیغمبر (ص) فرستادند و مطالبه حقوق مساوی کردند و جواب مساعد برای آنان نازل شد.

و آن کسانی که از گناهان بزرگ و هرزگی‌ها برکنارند و هنگام خشم گرفتن گذر کنند (شوری، ۳۷) و آنها که پروردگار خود پذیرایند و کار خود را به شوری گذارند در میان خود و آنچه بدانها روزی کنیم اتفاق کنند (شورای، ۳۸). در این دو آیه کلیات اخلاقی و امور اجتماعی و عبادی مسلمانان را در شش ماده خلاصه کرده است و تشریح فرموده:

1- کناره گیری از گناهان بزرگ و هرزگی خلاف عفت.

2- گذشت و در خورد از بی ادبها و موجبات خشم و غضب.

3- پذیرش از پروردگار و طاعت حضرت دادار.

4- محافظت بر نماز و ادای فریضه اسلامی.

5- شور با یکدیگر در همه امور زندگانی.

6- انفاق و اعانت از دست آورد و دارایی.

ای پیغمبر هرگاه زنان با ایمان نزد تو آمدند تا با تو بیعت کند که چیزی را شریک خدا نگیرند و دزدی نکنند و زنان نکنند و فرزندان خود را نکشند و بهتانی نیاورند که اندر میان دست و پای خود افترائی بزنند و تو را در هیچ کار خوبی نافرمانی

نکنند، با آنها بیعت کن (ممتحنه، ۱۲). توجه به این نکته لازم است که متعلق حکم، زنان مؤمنه است و در ایمان همه چیز هست. پس این بیعت گرفتن از مؤمنه چه منظوری دارد؟ جز این نیست که منظور تعهد همکاری با پیغمبر (ص) است در اجرای احکام و این یک مقام سیاسی و اجتماعی مهمی است که بالاترین پایه رشد و تکامل ملی است و از شرکت در انتخابات پارلمانی بسیار بالاتر است و باید گفت «چون که صد آمد نود هم پیش ماست. اگر گویند با تشریح صریح بیعت با زنان در این آیه مبارکه چرا در دوران خلافت ابی بکر و بعد از آن صرف نظر شد، در جواب گوئیم: با انقلاب سقیفه وضع ارتجاع به دوران جاهلیت در محیط اسلام پدید آمد که عقب راندن زنان از اجتماعی یک گوشه آن است و سر قیام حضرت فاطمه در حمایت از امیر المؤمنین (ع) هم بیان همین موضوع است. بنابراین تاریخچه حقوق سیاسی زنان و دخالت آن ها در امور سیاسی در اسلام به بیش از چهارده قرن یعنی هم زمان با ظهور اسلام بر می گردد. مشارکت سیاسی زنان در عرصه هایی چون، امر به معروف و نهی از منکر، بیعت، جهاد، هجرت و ... تبلور پیدا می کند (جلالی و موسوی، ۱۳۹۲: ۶۰)

نظرات موافقان و مخالفان حق رای زنان

حساسیت مراجع تقلید وقت در خصوص احتمال آنکه در لایحه آتی انتخابات به زنان حقوق سیاسی اعطا گردد، به حدی است که همین زمره‌ها بی آنکه در متن لایحه انعکاس یابد، مراجع را به واکنش وامی دارد. لیت‌الله بروجردی تهدیدیه مهاجرت از قم به عتبات و صدور فتوا نمود و در نهایت با ارسال پیامی اعلام کرد که «در کشور اسلامی، امری که مخالف احکام ضروریه اسلام است، ممکن‌الاجرا نیست. مخالفت‌های آیت‌الله بروجردی و دیگر مراجع تقلید قم نظیر آیات صدرالدین صدر و حجت کوه‌کمره‌ای سبب شد که دولت اعلام نماید در لایحه انتخابات به زنان حق مداخله داده نخواهد شد. چندی بعد و در آغاز دهه‌ی چهل شمسی، طرح لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی که طی آن به زنان حق انتخاب شدن و انتخاب کردن داده شده بود، با مخالفت همه‌جانبه‌ی مراجع تقلید وقت مواجه شد. گرچه در این دوره شاهد بروز برخی تفاوت‌های ظریف در نوع رویکرد به مساله مشارکت زنان هستیم. لایحه مذکور از سه جهت مورد اعتراض قرار گرفت: نخست، بخشیدن جایگاه انتخاب‌شونده و انتخاب‌کننده به زنان؛ دوم، استفاده از کتاب آسمانی به جای قرآن کریم در خصوص ادای سوگند متخبران، و سوم حذف شرط مذهب اسلام از انتخاب‌شوندگان. با این حال نوع رویکرد و شدت

اعتراض مراجع تقلید نسبت به این سه مورد یکسان نیست (رضوی، ۱۳۸۹: ۲۳۱). امام خمینی نیز در باب حق شرکت زنان در امور کشور، حق رأی دادن و انتخاب شدن، حضور در مناصب سیاسی، اجتماعی و مراکز تصمیم‌گیری، شرکت در سازمان‌ها و انجمن‌ها بیانات زیر را می‌فرمایند: «در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن. در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد» «زن‌ها هم بلید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند. البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است». «زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند. شما همان‌گونه که در نهضت‌ها نقش اساسی داشته‌اید و سهمیده‌اید، هم اکنون هم باز باید در پیروزی سهمیده باشید و فراموش نکنید که هر موقع اقتضا کند، نهضت کنید و قیام کنید» بدین ترتیب نه تنها رویکرد امام خمینی زنان را به هیچ‌عنوان با سیاست بی‌ارتباط نمی‌داند، بلکه در نظر ایشان رفتارهای سیاسی زنان در قیاس با مردان از اعتبار بیشتری نیز برخوردار است. زیرا زنان با فعالیت‌ها و مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی خود موجب تقویت این گونه فعالیت‌های مردان می‌شوند: «شمال‌بانوان) هستید که علاوه بر آنکه خودتان فعالیت می‌کنید فعالیت را در مردها مضاعف می‌کنید» «پیشقدم شدن شما در همه مسائل... اسباب این می‌شود که مردها هم بیشتر وارد بشوند، مردها هم قوی تر بشوند» بنابراین وجود فرصت و امکانات لازم برای زنان در عرصه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی و رفع هرگونه تبعیض ضروری است (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸۹) آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی در بخشی از خاطرات خود که در روزنامه ی جام جم نوزده بهمن ۱۳۸۱ به چاپ رسید، می‌نویسد: «از امام خواسته شده بود مانند سال ۱۳۴۱، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن زنان را برای مجلس تحریم نمایند... ولی امام به من دستور دادند که این آقایان را در مجلس بخواهم و به آن‌ها بگویم سلب حق رأی از زنان، خلاف شرع است و در زمان شاه، ما کل کارهای مجلس را حرام می‌دانستیم، از جمله این راه، نه این که اشکالی در انتخاب شدن و انتخاب کردن زن می‌دیدیم و امروز که همه امور مجلس شرعی است، شرکت آنان هم مثل مردان، شرعی، عقلی و انسانی است» لزوم مشارکت انسان در تعیین سرنوشت خود. همان‌گونه که بیان خواهد شد از نظر امام، زن انسانی است هم طراز مرد و همچون او بایستی در تعیین مقدرات خود مشارکت فعال داشته باشد. البته در این زمینه چه در عرصه نظریه‌پردازی و چه در عرصه مشارکت اجتماعی و سیاسی لازم است حدود شرع را رعایت کند. علامه طباطبایی تأکید می‌کند که زن از برکت اسلام مستقل به نفس و متکی بر خویش گشت، اراده و عمل او که تا ظهور اسلام گره خورده به اراده مرد بود، از اراده و عمل مرد جدا گردید، و از تحت ولایت و قیمومت مرد درآمد،

و به مقامی رسید که دنیای قبل از اسلام با همه قدمت خود و در همه ادوارش، چنین مقامی را به زن نداده بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۱۴). چنین تأکیدی در دیدگاه‌های امام خمینی، بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران نیز به روشنی دیده می‌شود. به نظر وی، جایگاه زن در اسلام و انقلاب اسلامی اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست و زن ایران انقلابی زنی است در مسیر تحول معجزه‌آسا و بی‌نظیر (خمینی، ۱۳۸۰: ج ۱۴/۱۹۶-۱۹۸ و ۳۱۶). دیگر متفکران مسلمان نیز بر این تحول و تغییر شگرف اسلامی تأکید دارند (مطهری ۱۳۸۳: ج ۸۱/۱۹؛ نوال سعداوی و هبه رئوف، ۶۷: ۱۳۸۴-۷۱). (الهی، ۱۳۹۱) طبق روایت صحیح بخاری و مسلم، عمر بن خطاب خلیفه دوم نیز، تفاوت و تغییر رویکرد عرب جاهلی و جامعه محمدی (ص) به زنان را گوشزد کرده است. او به صراحت می‌گوید: «ما در دوران جاهلیت زنان را به هیچ می‌انگاشتیم و اسلام و قرآن بود که حقوق زنان بر مردان را به رسمیت شناخت...» در روایت دیگر، عبدالله فرزند عمر نیز تصریح می‌کند که در عصر پیامبر (ص) از ترس آنکه درباره ما وحی نازل شود، زبان و رفتارمان را نسبت به زنان مهار می‌کردیم (جانعلی، ۱۳۹۳). مطهری معتقد است که اگر ما رأی دادن را به این تفسیر کنیم که همه افراد حق حکومت کردن دارند و با رأی دادن حق خود را به دیگری تفویض می‌کند، باید ابتدا ثابت کنیم که زن حق حکومت دارد و سپس حق رأی دادن وی خود به خود ثابت می‌شود اما اگر رأی دادن را به‌عنوان وکالت در نظر بگیریم، یعنی افرادی هستند که در یک کشور زندگی می‌کنند و قوانینی که در آن کشور می‌خواهد از تصویب بگذرد مربوط به شئون زندگی همه مردم است. مثلاً قوانین مالی می‌خواهد از تصویب بگذرد. در این صورت لزومی ندارد که ما اول ثابت کنیم زن حق حکومت دارد تا حق رأی دادن داشته باشد. ما باید ببینیم آنهایی که می‌روند مجلس در اموال و زندگی چه کسانی تصرف می‌کنند. زن مال و ثروت دارد، تصمیماتی که در آنجا می‌گیرند، راجع به آنچه که در اختیار اوست نیز هست (مطهری، ۱۳۹۱: ۹۱) بر این اساس می‌توان گفت مطهری حق انتخاب کردن را از زنان سلب نکرده، البته وی بر این عقیده است که حکومت و سیاست با یکدیگر متفاوت اند حکومت به معنای مطاعیت یا حتی قیمومت است و اسلام هیچ‌گاه نخواست است که زن به یک مقام مطاعیت برسد، ولی سیاست یک مفهوم عام‌تری دارد. مثلاً زنی که رأی می‌دهد یا کارمند وزارت خارجه است و از مسائل مهم سیاسی اطلاع دارد. در واقع در سیاست دخالت می‌کند و از نظر ایشان مسائل اینچنینی مثل رأی دادن زنان از

نظر اسلام اشکالی ندارد (مطهری، ۱۳۹۱: ۵۴). حضرت آیت الله العظمی مکارم به پرسشی درباره موارد خروج زن از منزل

بدون اجازه شوهر پاسخ گفته است. به گزارش شفقنا متن پرسش و پاسخ مطرح شده بدین شرح است:

پرسش: زنان در چه مواردی می توانند بدون اذن شوهر از منزل خارج شوند؟

الف) در مورد انجام واجبات

ب) فراگرفتن احکام اسلام مثل اینکه به مسجد بروند تا در آنجا احکام اسلامی را بشنوند،

ج) در مورد تهیه اجناس ضروری و لوازم منزل در صورتی که شوهر یا شخص دیگری برای آنها انجام ندهد،

د) برای رأی دادن در انتخابات و یا شرکت در راهپیمایی های ضروری.^۱ در دوران متاخر هر چند حق انتخاب کردن زنان

توسط مراجع تقلید به رسمیت شناخته شده یا مسکوت است، اما حق انتخاب شدن آنان به ویژه در مناصب اجرایی نظیر

وزارت، همچنان مورد مخالفت شدید مراجع سنی می باشد (رضوی، ۱۳۸۹: ۲۸۱).

نتیجه گیری

امروزی دنیا و نیازمربم جوامع بشری به مبانی فقهی اصیل اکثریت، به نظر می رسد که بررسی طیف های گوناگون فکری و

نظری درباره ی اعتبار رأی زنان، کمک موثری در تحلیل مبحث مشروعیت رأی زنان در فقه شیعه بنماید. با استناد به

منابع اسلامی به خوبی می توان دریافت که تفاوتی در ماهیت زن و مرد وجود ندارد بلکه هر دو از یک ریشه

و جنس آفریده شدند و در سرشت و سیرت انسانی مشترکند. زن به همان اندازه می تواند تحصیل کمال کند که مرد

می تواند، به قول دانشمندان مسلمان اسلام در سیر از خلق به حق هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست تفاوتی که اسلام

قائل است در بازگشت از حق به سوی مردم و تحمل مسئولیت پیغمبری است خداوند برای این کار مرد را مناسب تر

دانسته است. از منظر اسلام زن از جایگاه بسیار ارزشمندی برخوردار است. در اندیشه و نظریات فقیهان شیعی دو موضوع

قابل ذکر است: (۱) جایگاه زنان و حق رأی آنان در منابع و متون اسلامی: مطالعه دقیق منابع اندیشه سیاسی اسلام (آیات،

روایات و سیره حضرت رسول (ص) و امام علی (ع) ما را به این نکته رهنمون می سازد که؛ برخلاف دیدگاه قرارداد

¹ <https://fa.shafaqna.com/news/891055>.

اجتماعی، که منشأ مشروعیت همه مسائل سیاسی و حتی ملاک و معیار ارزشی را در رأی زنان می‌داند. در قرآن کریم و دیگر منابع اسلامی به این دو نوع اکثریت اشاره شده است: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ؛ بندگان خدا کسانی هستند که سخنان را می‌شنوند و بهترینش را پیروی می‌کنند. این آیه معیار احسن را برای گزینش مطرح می‌کند نه کمیت افراد را. علامه طباطبایی تأکید می‌کند که زن از برکت اسلام مستقل به نفس و متکی بر خویش گشت، اراده و عمل او که تا ظهور اسلام گره خورده به اراده مرد بود، از اراده و عمل مرد جدا گردید، و از تحت ولایت و قیمومت مرد درآمد، و به مقامی رسید که دنیای قبل از اسلام با همه قدمت خود و در همه ادوارش، چنین مقامی را به زن نداده بود. چنین تأکیدی در دیدگاه‌های امام خمینی، بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران نیز به روشنی دیده می‌شود. به نظر وی، جایگاه زن در اسلام و انقلاب اسلامی اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست و زن ایران انقلابی زنی است در مسیر تحول معجزه‌آسا و بی‌نظیر. دیگر متفکران مسلمان از جمله مرتضی مطهری نیز بر این تحول و تغییر شگرف اسلامی تأکید دارند.

الف) منابع فارسی

- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰)، الطبقات الکبری، تحقیق عبدالقادر هط، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
- توانا، محمدعلی، کامکاری، محمد، میرزایی زاده کوهپایه، محمدمین، (۱۳۹۶)، مقایسه حقوق زن مسلمان از دیدگاه مرتضی مطهری و فاطمه مرنیسی، مطالعات مسلمان، دوره ۷، شماره ۲، صفحات ۶۱-۶۹.
- جلالی، محمد، موسوی، فاطمه، (۱۳۹۲)، حقوق سیاسی زنان از منظر اسلام و اسناد بین المللی حقوق بشر، فصلنامه زن و فرهنگ، سال چهارم، شماره پانزدهم، صفحات ۵۹-۶۹.
- حکیمی، محمد، (۱۳۸۲)، دفاع از حقوق زن، چاپ سوم، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام (مجموعه بیانات، مصاحبه ها، اجازات شرعی و نامه های امام خمینی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، جلد ۶، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- رضوی، کمال (۱۳۸۹)، سیر تحول پایگاه اجتماعی مرجعیت شیعه در ایران در نیم سده اخیر، پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی، استاد راهنما: دکتر سارا شریعتی.
- عابدی، محمد، ساعت چی، (۱۳۹۶)، تحلیل فقهی و حقوقی مفهوم و آثار ضم و کیل، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال نهم، شماره ۱۶، صفحات ۲۳۱-۲۴۸.
- غلامی، محمدرضا، عرف، جمال، (۱۳۹۴)، مدل معنایی رفتار انتخاباتی در نظام مردم سالاری دینی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۶۹.
- فرزندوحی، جمال، حسینی، سارا، مرادی، پریا، (۱۳۹۳)، نقد و بررسی برخی از حقوق سیاسی و اجتماعی زن در اسلام، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال پنجم، شماره ۱۶.

کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار.

مروارید، علی اصغر، (۱۴۱۰)، سلسله الینایع الفقهیة، بیروت، مؤسسه الشیعة، الدار الاسلامیة، اول، ج ۱۶.

مصطفوی، فریده، (۱۳۸۹)، زن از منظر اسلام، قم، موسسه بوستان قم، چاپ سوم

مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). زن و مسائل قضایی و سیاسی تهران: صدرا.

ملعوف، لويس، (۱۹۹۵)، المنجد فی اللغة، لبنان.

ب) سایت های اینترنتی

<https://fa.shafaqna.com/news/891055>.

ج) منابع لاتین

Broadwell Wendell. 2006. Political participation GEORGIA PERIMETER COLLEGE
ROCKDALE/NEWTON CAMPUS.

Dmitrovka Bolshaia. 2003. Report "Development of Forms and Methods of the Political
Participation and Social Self-Organization of the Population of Russia". *Institute for
Comparative Social Research*. Moscow <http://www. cessi.ru/index.php?id=1&L=1>